

بررسی تأثیر سبک زندگی دینی بر پیشگیری از جرایم در بین زندانیان و غیر

زندانیان استان همدان

ناهید بابایی^۱، حیدر بابایی^۲، اسماعیل بلالی^۳

۰۱-۲۲/

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۰۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر سبک زندگی دینی (بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری) بر پیشگیری از جرایم در بین زندانیان و غیر زندانیان استان همدان می‌باشد. در این پژوهش، شاخص‌های در نظر گرفته شده برای سبک زندگی، شیوه زندگی دینی افراد است. روش مطالعه حاضر کمی و پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی ساخت یافته و از طریق دو گروه مجرم و غیر مجرم گردآوری شد. این پژوهش از دو جامعه آماری افراد زندانی و غیرزندانانی تشکیل شده و با استفاده از فرمول مورگان و کریجی، حجم نمونه ۳۱۰ محاسبه شده است. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که قاچاق مواد مخدر بیشترین میزان بی اعتقادی دینی را در بین جرائم دیگر دارا است. باید عنوان داشت که تفاوت معناداری بین شیوه زندگی دینی افراد مجرم و غیر مجرم وجود ندارد. اما نتایج نشان دادند که سبک زندگی دینی از طریق ایجاد انسجام عاطفی در فرد با بروز جرائم ارتباط معناداری دارد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی دینی، پیشگیری، مجرم و غیر مجرم، همدان.

^۱ کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسؤل) nb۶۶_basu@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان، گروه علوم اجتماعی

^۳ دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان، گروه علوم اجتماعی Balali_e@Yahoo.com

مقدمه

بزهکاری جوانان پدیده‌ای جهانی است. گرچه جوامع گوناگون بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبرو هستند. بزهکاری جوانان شاخه‌ای فرعی از انحراف و جرم است که به طور خلاصه می‌توان آن را نقض معیارهای قانونی توسط جوانان تعریف کرد. اصطلاح بزهکار در مورد کسانی به کار برده می‌شود که مرتکب اعمالی بر خلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزش فرهنگی می‌گردند (فرجاد، ۱۳۷۵: ۶۴). شکی نیست که یکی از عوامل مؤثر بر رفتار و نگرش انسان‌ها دینداری در جوامع گوناگون است. دینداری از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم اجتماعی به آن بسیار توجه کرده اند. هدن^۱ (۱۹۸۳)، معتقد است که دینداری عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری، عملی و جهت‌گیری در رفع مشکلات، پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است (به نقل از آزاد ارمکی و بهار، ۱۳۷۷: ۱۶۰). به استدلال دورکیم دین در واقع زاییده مناسب است؛ از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می‌شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند (همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۷۶). ادی^۲ نیز، عنوان می‌کند که دین عاملی برای کاهش انزوای اجتماعی، تحکیم همبستگی اجتماعی، زمینه‌ای برای پذیرش هنجارها و افزایش پیوند و انسجام درون خانواده است. با وجود چنین کارکردی، در جامعه نوعی انسجام اجتماعی پدید می‌آید (ادی، ۱۹۶۱). در واقع، دین و مذهب یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری از گذشته تا به حال به خود دیده است، به طوری که هیچگاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن برنکشیده است و از

معدود نهادهایی است که از دوره‌های بسیار دور جزء مهمی از حیات بشری را تشکیل داده و در نحوه و نوع زندگی موجود انسانی اثر گذاشته و آن را تحت تأثیر قرار داده است. هیچ جامعه شناخته شده‌ای نیست که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد. دین با رسوخ به درون انسان در همه لحظات، در خلوت و آشکار، در جمع و تنهایی، در آرامش و سختی، اندیشه و عمل وی را تحت تأثیر قرار داده، با حلول ارزش‌های آسمانی جسم خاکی تعالی یافته، تصعید گردید و با تبلور ابعاد ملکوتی در آن به اوج رسید (موسوی و دیگران، ۱۳۹۰). بنابراین، سبک زندگی افراد اگر بیشتر به سمت مذهبی بودن پیش رود، قطعاً به نفع افراد جامعه خواهد بود. به طوری که در همین زمینه مقام معظم رهبری به وفور تاکید نموده‌اند و جامعه را به سمت سبک زندگی دینی تشویق کرده و می‌کنند. بنابراین با توجه به بالا بودن جرم در کشور ایران و فرمایشات مقام معظم رهبری در زمینه مهم بودن سبک زندگی دینی، این پژوهش ضرورت پیدا کرده است تا بدین وسیله بتواند گوشه‌ای از مشکلات جامعه به طور عام و شهر همدان به طور خاص را حل و فصل نماید و راهکارهایی موثر را پیشنهاد کند.

در این بررسی هدف آن است که با تکیه بر نظریه‌های موجود جامعه‌شناختی درباره بزهکاری و انواع جرائم و سبک زندگی دینی و با استفاده از داده‌های عینی، مسئله پیشگیری از جرائم را به طور جامع بررسی کرده و به سبک زندگی دینی و تفاوت آن در بین افراد مجرم و غیر مجرم در شهر همدان پی ببریم.

به عبارتی، مسأله اصلی این تحقیق ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی به منزله راهکاری برای پیشگیری از بروز جرائم در بین افراد مجرم محبوس در زندان و افراد غیر مجرم است. بنابراین از جمله سوال‌های این پژوهش این است که:

- ۱- آیا بین سبک زندگی دینی افراد مجرم و غیر مجرم تفاوت وجود دارد؟
- ۲- سبک زندگی دینی در بین کدام گروه جرمی ضعیف‌تر و در بین کدام قوی‌تر است؟

«سبک زندگی» عنوانی است شناخته شده در بیشتر علوم انسانی و در سطح بین الملل، لیکن از زاویه‌های متعدد به آن نگاه می‌شود. مؤلفه‌های شناخته شده آن در دنیای علمی امروز، عبارت‌اند از: فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش، تغذیه و...؛ که هر کدام به منزله بزرگ راهی از راه‌های زندگی افراد شمرده می‌شوند. سبک زندگی، شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می‌گیرد. این شیوه‌ها، حاصل زندگی دوران کودکی فرد است. بنابراین، این مسئله مطرح می‌شود که سبک زندگی دینی می‌تواند چه تاثیری را بر روی پیشگیری از جرم داشته باشد.

بررسی علمی هر موضوعی، نیازمند توجه به پشتوانه‌های نظری آن به صورت تحلیلی و معرفی ساختار علمی پژوهش با استناد به منابع و مدارک معتبر است. در پژوهش حاضر ابتدا به تعاریف و مفاهیم اساسی پژوهش و سپس به پیشینه مطالعاتی پژوهش می‌پردازیم. آنگاه دیدگاه صاحب‌نظران و رویکردهای متفاوت به سبک زندگی دینی و جرم مطرح می‌شود.

مفهوم سبک زندگی: سبک زندگی، کل به هم پیوسته صورت‌هایی است که افراد یک جامعه، مطابق انگیزه‌های درونی و سلايق خودشان و به واسطه تلاشی که برای ایجاد توازنی میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی شان به انجام می‌رسانند، برای زندگی خود بر می‌گزینند.

روانشناس آلمانی، آلفرد آدلر، در مورد سبک زندگی تعابیر متعددی دارد که بر محققان علوم اجتماعی پس از خود تأثیر زیادی گذاشته است. او می‌گوید سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند (آدلر، ۱۹۵۶: ۱۹۱). سبک زندگی، طرح و دریافتی اجمالی از جهان، فرآیند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف؛ خلاقیتی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن (دادستان، ۱۳۷۶ و محفوظی و دیگران، ۱۳۷۸). سبک زندگی رفتار و منش نیست بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می‌کند (پیشین: ۱۷۵) و خود به واسطه خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد.

مفهوم پیشگیری: از نظر ریشه‌شناسی کلمه «پیشگیری» به معنای «پیشگیری کردن» و هم‌چنین «جلورفتن» و «آگهی دادن» است. در جرم‌شناسی، پیشگیری عبارتست از «به جلوی تبهکاری رفتن» یا استفاده از تکنیک‌های گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری است. اگر پیشگیری از تبهکاری متضمن «آگهی دادن» از چیزی است، منحصر به عنوان یکی از تکنیک‌های ممکن مداخله است. مثلاً مخاطب قراردادن جمعیت یا بعضی از اشخاص که به علت عدم رعایت بعضی از اقدامات حمایتی در معرض خطر هستند، از مصادیق آگهی دادن است (اکبری ۱۳۸۰: ۱۴).

پژوهش‌های انجام شده در زمینه دینداری و بزهکاری جوانان بسیار محدود است.

دریک^۱ و همکارانش (۲۰۰۵)، طی یک پژوهش ملی خطر جرم و جنایت برای کودکان و نوجوانان و شیوه زندگی آنها را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش حدود ۱۲ سال در بین محلات جرم‌خیز انگلستان به طول انجامید. هدف این بررسی کاهش خطر

ابتلای کودکان به جرم و دخالت در رفتارهای ضد اجتماعی بود. با استفاده از روش ایجاد زمینه خطر برای این کودکان، مشخص شد که بین زمینه و خطر ارتباط وجود دارد. شواهد نشان داد که عوامل زیادی از جمله نحوه زندگی آنها برای ایجاد خطر وجود دارد، هم‌چنین، مداخلات متعدد نوجوانان و تجربیات آنها از زندگی و هم وجود خانواده‌های آنان تأثیر مثبتی را در کاهش خطر و تخلف آنها دارند.

لاکفیلد و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «ابعاد دینداری به عنوان واسطه‌هایی از روابط بین رفتار انحرافی و والدین و بزرگسالان» که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، نشان دادند که سه بعد دینداری به صورت متغیرهای مداخله‌گرایانه بین رفتارهای والدین و انحراف عمل کرده و انتظار والدین این است که دینداری فرزندانشان انحراف بعدی آنها را برطرف کند (لیتچفیلد و داروین، ۱۹۹۷: ۱۹۹-۲۲۶).

ارتباط مذهب با بزهکاری زمانی قابل طرح است که دینداری براساس محتوای اجتماعی اخلاقی و فرهنگی تعریف شده باشد. در این زمینه چادویک و تاپ چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که دو معیار دینداری، یعنی رفتار مذهبی و احساسات دینی، در پیش‌بینی بزهکاری دخالت دارند، به نحوی که هرچه شدت رفتار مذهبی در بعد خصوصی بیشتر باشد و احساسات دینی قویتر و مقبولیت بیشتری داشته باشد، میزان ارتکاب بزهکاری کمتر خواهد بود (چادویک و تاپ، ۱۹۹۳: ۵۱-۶۷).

یافته‌های تحقیق دیگری که در سال ۱۹۹۸ توسط سید حسین سراج زاده تحت عنوان «تدین اسلامی و بزهکاری» به روش پیمایش انجام گرفته بازگویی آن است که دینداری ارتباط معکوس و نسبتاً قوی با بزهکاری دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران (با شاخص همبستگی ترتیبی گاما معادل ۰/۵۷-) دارد که حاکی از الگوی کاهش

منظمی در نسبت بزهکاری اظهار شده از پاسخگویان باتوجه به افزایش نمره دینداری بوده است (سراج زاده، ۱۳۸۰: ۲۱۹).

مشکانی و همکاران در سال ۱۳۷۱ پژوهشی را با عنوان «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان» در میان ۹۰ پسر در کانون اصلاح و تربیت مرکز تهران و ۱۵ دختر در زندان اوین انجام دادند. داده های حاصل از این مطالعه نشان داد که تقویت نگرش های مثبت اعتقادی و اخلاقی، او را از ورطه بزهکاری می رهااند (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱: ۳-۲۵).

در مطالعه دیگری ملکمیان و شریفیان (۱۳۸۸) عوامل اجتماعی موثر بر ارتکاب جرم در میان زنان زندانی زندان های استان گلستان را مورد بررسی قرار داده اند. این محققان، فقر را که با شاخص زندگی در محلات فقیرنشین و جرم خیز معرفی شده در کنار عوامل اجتماعی نظیر پایین بودن سطح تحصیلات و ضعیف بودن باورهای مذهبی در ارتکاب جرم موثر می دانند.

همان طور که در مطالعات قبلی مشاهده می شود محق نتوانسته است به پژوهشی دست یابد که به طور مستقیم تاثیر سبک زندگی را در بر جرائم را مورد سنجش قرار داده باشد. بنابراین، پژوهش حاضر صورت گرفته است. در این پژوهش ضمن وجود نظریه ها و دیدگاه های گوناگون در مورد سبک زندگی دینی و پیشگیری از جرائم، تنها به یکسری از آن ها پرداخته می شود.

- دیدگاه مربوط به سبک زندگی: ساختار شخصیت منسجم افراد از سبک زندگی آنان به وجود می آید، هر یک از ما شخصیت منحصر به فردی داریم. سبک زندگی معمول عبارتست از نگاه ما درباره ی خودمان، دیگران، جهان اطراف و رفتارهای متمایز

ما که برای رسیدن به اهداف و مقاصدمان از آن‌ها استفاده می‌کنیم. اگر چه سبک زندگی ما تا شش سال اول زندگی آموخته می‌شود، سایر اتفاقاتی که رخ می‌دهد نیز تأثیر زیادی بر رشد ما دارد. تجارب دوره‌ی کودکی به خودی خود تأثیری بر ما ندارند آنچه مهم است و اهمیت دارد تعبیر و تفسیر ما از وقایع است. آدلر از این مفهوم به عنوان خود، خویشتن، شخصیت، فردیت، وحدت شخصیت و روش مواجهه شدن با مشکلات یا نگرش کلی به سمت زندگی یاد می‌کند (آنسباخر و آنسباخر، ۱۹۵۴، به نقل از استین و ادواردز، ۲۰۰۸).

آدلر اعتقاد داشت یادآوری خاطرات اولیه‌ی دوران کودکی تصادفی نیست بلکه افراد رویدادهایی را از کودکی خود به یاد می‌آورند که با سبک زندگی فعلی آن‌ها مطابقت دارد. زمانی که سبک زندگی تغییر می‌کند خاطرات قدیمی هم باید تغییر کنند. از نظر آدلر اختلالات روانی به طور عمده در حضور دو شرط به وقوع می‌پیوندد: ۱- احساس حقارت بیش از حد ۲- رشد ناکافی احساس علاقه‌ی اجتماعی. تحت تأثیر این دو شرط فرد ممکن است قبل از اینکه کاری غیرممکن و سخت را انجام دهد، در خود احساس یأس و دلسردی کرده و تصور کند که در این کار ناموفق خواهد بود (استین، ادواردز، ۲۰۰۸). علاقه‌ی اجتماعی مترادف با خیرات کردن و خودخواه نبودن نیست بلکه اقدامات خیرخواهانه و نیکوکارانه می‌توانند به وسیله‌ی علاقه‌ی اجتماعی برانگیخته شوند یا نشوند (فیست و فیست، ۲۰۰۲). آدلر از شیوه‌ی زندگی به عنوان هسته مرکزی الگوی فکر کردن، احساس کردن، عمل کردن نام می‌برد و معتقد است که شیوه‌ی زندگی است که مشخص می‌کند گرایش افراد به سوی کدام یک از امور زندگی باشد. برای به دست آوردن فهم عملی از هر حوزه پنج گرایش ممکن است تعریف شود (گرایش به سمت توسعه خود، گرایش به سمت مشکلات، گرایش به

سمت دیگران که ممکن است شامل مشارکت، رد، استثمار و حکومت کردن باشد. گرایش به سمت جنس مخالف که می‌تواند به صورت احترام، پذیرش، رد، ... باشد، گرایش به سوی زندگی). در کل، آدلر معتقد است که سبک زندگی تحت تأثیر پنج منشاء و سه امر مهم زندگی است که عبارتند از:

۱- پنج منشاء (سلامتی حضور، موقعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده، نگرش والدین، مجموعه خانواده، نقش‌های جنسی)

۲- سه امر زندگی (عشق و حیثیت، اشتغال، ارتباط با دیگر انسان‌ها)

الف) منشاء: دوران نخستین کودکی بر سبک زندگی فرد تأثیر می‌گذارد ممکن است آن‌ها تأثیر منفی بر کودک گذاشته، اما هیچ کدام به تنهایی نمی‌توانند سبب جهت‌دهی- های منفی در زندگی وی باشند. او به طور احساسی از نیروی خلاقیت و محیط و ایده‌هایش برای بهترین راه زندگی کردن استفاده می‌کند.

ج) سه امر زندگی: که هر بزرگسالی به طور معمول در چالش با آن‌ها در فرهنگ قرار دارد. سوال فرد از هر چالشی شاخص مهمی از سلامت روانی او می‌باشد. اگر چه آدلر تأکید بر سه امر اصلی زندگی می‌کند، دیگر پیروان او امور دیگری را نظیر توسعه خود، خانواده، مذهب، هنر، طبیعت، مرگ را پیشنهاد می‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۶). در این پژوهش نیز با توجه به سبک زندگی افراد به کردارهای فرد در پنج گروه جرمی (مواد مخدر، سرقت، جرائم علیه اشخاص، جرائم علیه اموال و مالکیت و اعمال منافی عفت) پرداخته می‌شود.

- دیدگاه مربوط به زندگی دینی و بروز رفتار مجرمانه

دیدگاه انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان در مورد دین: انسان‌شناسان نیز فقدان نهاد اجتماعی دین را موجب خدشه به بقای جامعه می‌دانند و چهار کارکرد عمده برای

آن قائل اند (تنهایی، ۱۳۷۵). ۱- انسجام عاطفی، ۲- بازآفرینی فرهنگی، ۳- معناسازی (معنابخشی) و ۴- انسجام اجتماعی.

جامعه‌شناسان نیز، به طور معمول دین را یکی از اساسی‌ترین وسایل کنترل اجتماعی درونی یا مهار جرم و خلافکاری می‌دانند (راس^۱، به نقل از کینگ^۲، ۱۳۴۹). ارزش‌ها و هنجارهای مهم اجتماعی، به طور معمول نه فقط در قلمرو قانون، بلکه در قلمرو دین قرار می‌گیرند و دین با تقویت آن‌ها به کنترل اجتماعی فرد کمک می‌کند (رابرتسون^۳، ۱۳۷۲) پژوهش‌های متعدد در زمینه گروه‌های بزهکار و تأثیر مذهب بر پیشگیری از ارتکاب جرم در گروه‌های غیر بزهکار، مؤید مهار اجتماعی مذهب در پیشگیری از وقوع اعمال خلاف قانون است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند با وجود نقش گروه دوستان و همسالان در گرایش به سمت بزهکاری، مذهب عامل مهمی در پیشگیری از بزهکاری است (چادویک و تاپ، ۱۹۹۳). نوجوانان غیربزهکار بازخوردهای قوی‌تری نسبت به مذهب دارند (وهر و احمد^۴، ۱۹۹۳). هم‌چنین گرایش به مذهب و فعالیت‌های مذهبی در کاهش افکار خودکشی و اقدام به آن، مصرف مواد مخدر، رفتارهای جنسی پیش از موعد و بزهکاری تأثیر مثبت دارد (دوناهو^۵، ۱۹۹۵)، دینداری به طور عام ارتباط معکوس و به نسبت قوی با بزهکاری جوانان دارد (طالبان، ۱۳۷۸) ویژگی‌های مذهبی عامل مهمی در سازگاری مجدد و اصلاح رفتار زندانیان به شمار می‌آید (کونینگ^۶، ۱۹۹۵). دورکیم نیز، چهار عملکرد عمده دین را چنین شرح می‌دهد:

Ross^۱

Koening^۲

Robertson^۳

and ahmad Vohra^۴

Danuhue^۵

Koening^۶

۱. انضباطبخشی، ۲. امیدواری، ۳. حیاتبخشی، ۴. خوشبختی (هاری آلپری، به نقل از گیویان، ۱۳۷۷).

گلاک و استارک (به نقل از انوری، ۱۳۷۳) نیز، با مشاهده‌ی این موضوع که مطالعات تجربی مربوط به دین به نتایج متناقضی منتهی می‌شود و هر محققى به سلیقه‌ی خود دین را تعریف می‌کند، با مروری بر نتایج این پژوهش‌ها، ویژگی‌های متفاوتی را برای دینداری برگزیده‌اند. آن‌ها این ویژگی‌ها را حول پنج بعد جمع کرده و مفهوم عملیاتی مجزایی از دین ساختند:

۱. بعد اعتقادی یا باورهای دینی؛ که عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند.

۲. اعمال دینی: که به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) شعائر یا مناسک؛ ب) پرستش و دعا

۳. بعد تجربی دین: موقعیت‌های برتر ایجادشده‌ای که فرد در آن‌ها خود را رویاروی و مواجه با شعور برتر احساس می‌کند.

۴. دانش دینی: شامل حداقل آگاهی فرد مؤمن از دین مورد قبول خود اوست.

۵. پیامدها: این بعد بر رفتار روزمره و غیردینی افراد ناظر است. حضور و وجود اندیشه و حسى خداگرایانه در متن زندگی که در رفتار غیردینی فرد استحکام می‌یابد و به زندگی او رنگ و بوی دینی می‌دهد، از نتایج و پیامدهای دینداری است.

نظریه‌ی کنترل اجتماعی: مطابق این نظریه، در جامعه‌ای که بستگی‌ها میان اعضا ضعیف می‌شود، احتمال منحرف شدن مردم بیشتر می‌شود. تراویس هیرشی (به نقل از رابرتسون، ۱۳۷۲) یکی از صاحب نظران نظریه کنترل اجتماعی، وابستگی به جامعه و گروه را دارای چهار عنصر اصلی زیر می‌داند:

۱. دلبستگی یا علاقه: تأثیرپذیری و حساسیت فرد به عقاید دیگران در حد همنوایی با آنان؛

۲. تعهد: احساس دین نسبت به جامعه در نتیجه سرمایه‌گذاری اعتباری یا مالی در نهادهای جامعه؛

۳. مشارکت: مشارکت مداوم در فعالیتهای غیرانحرافی؛

۴. ایمان و اعتقاد: وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه. براساس دیدگاه این نظریه‌پرداز، مذهبی بودن و اعتقاد داشتن به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه، یکی از عوامل مهم در تقویت بستگی فرد به گروه و پرهیز از کج‌روی و تخلف است. از مهم‌ترین کنش‌های دین در حوزه اجتماعی، پشتیبانی و تقویت ارزش‌های اخلاقی است. حتی اجرای قانون و برقراری نظم و انضباط اجتماعی در سایه رعایت ارزش‌های اخلاقی میسر است. در بسیاری از موقعیت‌ها و روابط انسانی، قانون، پیش‌بینی جزئی و مصداق خاصی ارائه نکرده و این تعهد به ارزش‌های اخلاقی است که با تقویت مهار درونی در افراد، اجرای قانون را در جامعه میسر می‌سازد. دین به طور عام و ادیان آسمانی به طور خاص، با تبیین اخلاقی فاصله و تشویق انسان به درونی کردن آن‌ها، انسان باتقوا را انسان متعادل در روابط فردی و اجتماعی و هدایت شده به سوی سعادت و نیکی معرفی می‌کنند. برای بیشتر مردم تا زمانی که ارزش‌های اخلاقی از ناحیه نیروی مافوق توصیه نشوند، اهمیت جدی نمی‌یابند و مؤثر نمی‌افتند. پشتیبانی دین از اخلاق به این معناست که به انسان در مورد پشتوانه استوار آن و تأیید

مرجع اصیل نسبت به آن اطمینان می‌دهد، به طوری که عمل به ارزش‌های اخلاقی را بی‌اجر نمی‌یابد (آذربایجانی، ۱۳۸۰).

در بررسی مبانی نظری مطالعه جامعه‌شناختی بررسی تاثیر سبک زندگی دینی بر پیشگیری از جرائم در بین زندانیان استان همدان، مدل مفهومی و نظری تحقیق به شرح زیر ترسیم شده است.



شکل ۱

سوالات پژوهش:

۱- وضعیت افراد مجرم و غیر مجرم به تفکیک سن، وضعیت تأهل به چه صورت می‌باشد؟

۲- رابطه بین شیوه زندگی دینی و بروز رفتار مجرمانه به چه صورت می‌باشد؟

۳- آیا شیوه زندگی دینی افراد مجرم با غیر مجرم تفاوت دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

۱- انتظار می‌رود شیوه زندگی دینی از طریق انسجام عاطفی با بروز رفتار مجرمانه رابطه داشته باشد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش میدانی به روش پیمایش و از نوع کاربردی و مقطعی است. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری شده و این پژوهش از دو جامعه

آماري انتخاب شده‌اند. جامعه آماری اول مشتمل بر افراد مجرم محبوس در زندان همدان بوده‌اند که دوران محکومیت خود را می‌گذرانند و طبق تقسیم‌بندی اداره امور زندان‌ها در پنج گروه جرمی (مواد مخدر، سرقت، جرائم علیه اشخاص، جرائم علیه اموال و مالکیت و اعمال منافی عفت) قرار گرفته‌اند. جامعه آماری دوم شامل افرادی است که در همان محل یا منطقه افراد مجرم سکونت دارند و سابقه کیفری یا بازداشتی ندارند. افراد انتخاب شده شامل مردان ۱۸ تا ۵۴ سال در هر دو جامعه آماری می‌باشند. از آنجایی که تعداد کل زندانیان شهر همدان ۸۰۰۰ زندانی می‌باشند، بنابراین با استفاده از فرمول مورگان، حجم نمونه ۳۴۱ محاسبه شده است. اما به دلیل وجود پرسشنامه مخدوش، ۳۱۰ پرسشنامه محاسبه شد. سپس برای آزمون فرضیات دو گروه مجرم و غیر مجرم، افراد مجرم به سه دسته بالای شهر، متوسط و پایین شهر تقسیم شدند و بر اساس نمونه‌گیری سهمیه‌ای از ۳۱۰ نفر مجرم شش منطقه بر اساس جدول اعداد تصادفی انتخاب شده است. به منظور احراز اعتبار لازم در این پژوهش، برای سنجش برخی متغیرها از مقیاس‌های استاندارد و برخی دیگر، محقق ساخته استفاده کردیم و ضمن بومی‌سازی مقیاس‌های استاندارد، در راستای موضوع تحقیق حاضر و چارچوب مفهومی و نظری آن (اعتبار سازه‌ای) از اعتبار صوری استفاده شد. بدین ترتیب که پیش‌آزمون با تعداد ۴۰ پرسش‌نامه انجام گرفت و برخی گویه‌ها و سوالات دارای اشکال و ابهام اصلاح شدند که تعداد آنها خیلی کم بود. به منظور اندازه‌گیری پایایی تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج محاسبه این شاخص در مورد اکثر سنجه‌های به کار گرفته شده نشان داد که پایایی سنجه‌های این پژوهش در حد مطلوبی برآورده شده است. داده‌ها پس از گردآوری، توسط نرم‌افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفت و تحلیل آن‌ها متناسب با سطح سنجش متغیرها انجام شد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش:

- **نتایج متغیرهای زمینه‌ای:** در این پژوهش علاوه بر تلاش برای تبیین رابطه جرم و سبک زندگی، سعی شده است تا به یکسری متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، میزان تحصیلات و .. نیز پرداخته شود. بر این اساس، نتایج حاکی از آن است که اکثر مجرمین در سن ۳۱ تا ۳۵ سال قرار دارند، این در حالی است که درصد بالایی از مجرمان در سن ۱۸ تا ۳۰ سال قرار دارند. بیشتر آنها مجرد می‌باشند. هر چند مجرمین متأهل هم قابل توجه است. همچنین، اکثرا هم خودشان و هم دوستانشان دارای سواد ابتدایی و راهنمایی می‌باشند. و درصد خیلی پایینی هم دارای مدرک لیسانس و لیسانس به بالاتر هستند. بیشتر پاسخگویان از مذهب شیعه پیروی کرده و دارای قومیت فارس و ترک هستند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که بستگان درجه یک حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان دارای سابقه زندانی شدن هستند. علاوه بر این اکثر زندانیان نیز خود دارای سابقه زندان هستند.

- **نتایج جداول دو بعدی:** جداول دو بعدی تنها برای توصیف شیوه زندگی با رفتار مجرمانه تهیه گردیده است. در این جداول درصد ستونی به علت نحوه تحلیل از سطر به ستون به کار رفته است.

- آزمون مربوط به مقایسه دو گروه مجرم و غیر مجرم

جدول (۱) نشان می‌دهد که میانگین شیوه زندگی دینی در بین افراد مجرم که با بی اعتقادی همراه است، برابر با $37/9032$ و در بین افراد عادی برابر با $36/2645$ می‌باشد. به عبارتی، شیوه زندگی دینی (بی اعتقادی) در بین افراد مجرم بیشتر از افراد عادی است. جدول (۲) نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین این دو وجود ندارد. بنابراین فرض H_0 که دلالت بر عدم تفاوت میانگین شیوه زندگی افراد مجرم با غیر

مجرم دارد، تایید می‌شود و در مقابل آن فرض H_1 رد می‌شود. پس بین شیوه زندگی دینی افراد مجرم و غیر مجرم تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول (۱) نتایج آزمون t با دو گروه همبسته در مورد میزان تفاوت بین شیوه زندگی دینی افراد مجرم و غیر مجرم

شیوه زندگی دینی	میانگین	N تعداد	انحراف استاندارد	خطای میانگین‌ها
مجرم	۳۷/۹۰۳۲	۳۱۰	۸/۴۵۹۵۲	۰/۴۸۰۴۷
عادی	۳۶/۲۶۴۵	۳۱۰	۹/۰۰۲۰۳	۰/۵۱۱۲۸

جدول (۲) تفاوت بین شیوه زندگی دینی افراد مجرم و غیر مجرم

شیوه زندگی دینی	اختلاف میانگین				t	درجه آزادی	سطح معناداری	
	میانگین	انحراف استاندارد	فاصله اطمینان ۰/۹۵					
			خطای میانگین‌ها	کرانه پایین				کرانه بالا
مجرم-عادی	۱/۶۳۸۷۱	۱۱/۸۹۳۹۲	۰/۶۷۵۴۷	۰/۳۰۹۶۰	۲/۹۶۷۸۲	۲/۴۲۶	۳۰۹	۰/۱۱۶

- بررسی وضعیت شیوه زندگی دینی و نوع جرم: بر اساس جدول (۳)، افرادی که به جرم مواد مخدر دستگیر شده‌اند، ۱/۶ درصد در شیوه زندگی خود، باور و اعتقادشان کم است، ۱۸/۸ درصد متوسط و ۷۹/۷ درصد بالا است. سایر گروه‌های جرمی نیز، از میزان بی‌اعتقادی متوسط و بالایی برخوردارند. از اینجاست که طرح مسئله سبک زندگی از سوی مقام معظم رهبری نشانی از اقتدار نظام بوده و طرح مسئله سبک زندگی حرکت اقتدارگونه نظام جمهوری اسلامی ایران از سمت تبیین کلیات و آرمان‌های نظام به سمت تبیین جزئیات زندگی و کاربرد آموخته‌های دینی و ذهنی است. در اینجا سبک زندگی مطلوب آن نوع از سبک زندگی است که متناسب با تعالیم و آموزه‌های اسلامی تنظیم شده باشد، در این صورت است که نتیجه سبک

زندگی دینی می تواند در مسیر رشد تمامیت شخصیت فرد و شکوفایی استعدادهای او و به کمال رساندنش عمل نماید.

جدول ۳) توزیع شیوه زندگی دینی و نوع جرم							
		شیوه زندگی دینی			کل		
		بی اعتقادی کم	بی اعتقادی متوسط	بی اعتقادی بالا			
نوع جرم	مواد مخدر	فراوانی	۲	۲۴	۱۰۲	۱۲۸	
		درصد	۱/۶	۱۸/۸	۷۹/۷	۱۰۰	
	سرقت	فراوانی	۱	۲۱	۶۲	۸۴	
		درصد	۱/۲	۲۵	۷۳/۸	۱۰۰	
	اعمال منافی عفت	فراوانی	۲	۶	۱۲	۲۰	
		درصد	۱۰	۳۰	۶۰	۱۰۰	
	جرائم علیه اشخاص	فراوانی	۰	۱۴	۳۲	۴۶	
		درصد	۰	۳۰/۴	۶۹/۶	۱۰۰	
	جرائم علیه اموال	فراوانی	۱	۸	۲۳	۳۲	
		درصد	۳/۱	۲۵	۷۱/۹	۱۰۰	
	کل			۶	۷۳	۲۳۱	۳۱۰
				۱/۹	۲۳/۵	۷۴/۵	۱۰۰

- تحلیل استنباطی:

در این مرحله با استفاده از آزمون خی دو به تایید یا رد فرضیه پرداخته می شود.
فرضیه اول: انتظار می رود شیوه زندگی دینی از طریق انسجام عاطفی با بروز رفتار مجرمانه داشته باشد.

در این فرضیه نیز، با استفاده از آزمون کاسکوئر، رابطه شیوه زندگی دینی با رفتار مجرمانه مورد آزمون قرار گرفت. همان طور که در جدول (۴) مشاهده می شود، شیوه

زندگی دینی از طریق انسجام عاطفی فرد با ارتکاب جرائم رابطه معناداری دارد. پس این فرضیه تایید می‌شود.

جدول ۴) رابطه شیوه زندگی دینی با رفتار مجرمانه از طریق انسجام عاطفی فرد

تعداد	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	دی-سامرز	سطح معنی‌داری
۳۱۰	۱۲۴/۴	۸	۰/۰۴۷	-/۰۸۷	۰/۰۷۶

نتیجه‌گیری:

توجه ویژه به سبک زندگی افراد در دوران کنونی کاربرد نسل نوینی از تدابیر پیش‌گیرنده غیر کیفی را امکان‌پذیر نموده است. بنابراین، برای پیشگیری بیشتر از بروز رفتار مجرمانه و اینکه افراد جامعه بتوانند کارکردهای اصلی خود را به خوبی انجام دهند، لازم است تا سبک زندگی آنان از جمله سبک زندگی دینی، بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

در نتیجه همواره خود را با این پرسش‌ها مواجهه می‌بینیم. سبک زندگی افراد مجرم به چه صورت است؟ و چه تفاوتی با سبک زندگی افراد غیر مجرم دارد؟

نظریه کنترل اجتماعی و در رأس آن هیرشی معتقد است که در جامعه‌ای که بستگی‌ها میان اعضا ضعیف می‌شود، احتمال منحرف شدن مردم بیشتر است. وی یکی از عناصر وابستگی به جامعه و گروه را داشتن ایمان و اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی می‌داند و مذهبی بودن را یکی از عوامل مهم در تقویت وابستگی فرد به گروه و پرهیز از کج‌روی و تخلف تلقی می‌کند. در این پژوهش هم یافته‌ها نشان می‌دهد که بین شیوه زندگی دینی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، این یافته نیز، با دیدگاه هیرشی همخوانی دارد. از اینجاست که طرح مسئله سبک زندگی از سوی

مقام معظم رهبری نشانی از اقتدار نظام بوده و طرح مسئله سبک زندگی حرکت اقتدارگونه نظام جمهوری اسلامی ایران از سمت تبیین کلیات و آرمان‌های نظام به سمت تبیین جزئیات زندگی و کاربرد آموخته‌های دینی و ذهنی است. در اینجا سبک زندگی مطلوب آن نوع از سبک زندگی است که متناسب با تعالیم و آموزه‌های اسلامی تنظیم شده باشد، در این صورت است که نتیجه سبک زندگی دینی می‌تواند در مسیر رشد تمامیت شخصیت فرد و شکوفایی استعداد‌های او و به کمال رساندنش عمل نماید.

نتایج نشان داد که هر چند که سطح بی‌اعتقادی افراد مجرم بیشتر از افراد عادی است اما، بین شیوه زندگی دینی دو گروه مجرم و غیر مجرم تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در واقع، با ثابت نگه داشتن متغیرهای محل سکونت و سن ۳۱۰ نفر از افراد غیر مجرم با ۳۱۰ نفر از افراد مجرم در پنج گروه جرمی از لحاظ سبک زندگی دینی مورد مقایسه قرار گرفتند و نتایج نشان می‌دهد بین شیوه زندگی دو گروه اختلاف معناداری وجود ندارد. و این خود می‌تواند بر اثر تغییرات سریع اجتماعی باشد که توانسته است نقش باورهای مذهبی را در کنترل اجتماعی افراد کاهش دهد.

اما نتایج حاکی از آن است که بیشترین بی‌اعتقادی در بین گروه جرمی مواد مخدر و پس از آن سرقت است.

پیشنهاد‌های پژوهش

- ۱- با توجه به سطح سواد پایین و مشاغل رده پایین مجرمین، آموزش خانواده‌ها توسط نهادهای مسئول به منظور ایجاد پیوند قوی‌تر بین والدین و فرزندان ضروری به نظر می‌رسد.
- ۲- تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و ایمانی جامعه با اولویت بخشیدن به مهدهای کودک، مدارس و دانشگاه‌های مختلف و یادآوری به مردم با استفاده از ابزارهای نوین تبلیغاتی.
- ۳- اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی و مقابله با مشکلات با هدف ارتقاء سطح بهداشت روان افراد جامعه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی در مدارس مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به عنوان واحدهای درسی، و یا سرفصل‌های دروس.
- ۴- فعالیت بلندمدت برای اشتغال افراد بیکار جهت جلوگیری از بروز تکرار جرم و دادن وام بلاعوض به زندانیان پس از آزادی.

منابع

- آذربایجان، مسعود (۱۳۸۰)، آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی به راهنمایی دکتر پری‌رخ دادستان، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آزاد ارمکی، تقی و بهار، مهری (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی، تهران، نشر جهاد.
- انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳). پژوهشی راجع به تقدیرگرایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی در ادیان، یزد: بهاباد چاپ اول.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان. تهران: آستان قدس رضوی چاپ اول.
- سراج زاده، سیدحسین و توکلی، مهناز. (۱۳۸۰)، بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش های اجتماعی، نامه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸). دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی.
- فیست، جس و فیست، گریگوری (۲۰۰۲)، نظریه‌های شخصیت. سیدمحمدی، مترجم (۱۳۸۴) تهران: انتشارات روان.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر، تهران.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
- کینگ، ساموئل (۱۳۴۹). جامعه‌شناسی، ترجمه مشفق همدانی، تهران: امیر کبیر.
- گیویان، عبدالله (۱۳۷۷). سنجش نگرش مردم تهران راجع به نقش و کارکردهای دین، تهران: شورای فرهنگ عمومی.
- ملک‌میان، لینا، شریفیان، سعید (۱۳۸۸) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر جرم در زنان زندانی، پژوهش اجتماعی، ۲.
- مشکانی، محمدرضا و زهراسادات مشکانی، (۱۳۸۱)، سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.

- موسوی، سیده زهرا و موسوی، سید رفیع و حیدری، حسین (۱۳۹۰)، « بررسی میزان پایبندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان زنجان)»، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره اول، ۱۵۰-۱۷۳.

- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی دین شناسی (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران، انتشارات تبیان.

-Litchfield, Alleh W.; Darwin, Thomas, L. & Doali, Bing. (۱۹۹۷), Dimensions of Religiosity as Mediators of the Relations between Parenting and Adolescent Deviant Behavior, Journal of Adolescent Research, vol. ۱۲.

-Chodwick, A., & Top, B.L. (۱۹۹۳). Religiosity and delinquency among - the Scientific Study of Religion, ۳۲(۱): ۵۱-۶۷. LDS Adolescents. Journal for

-Vohra, S. & Ahmad, H.(۱۹۹۳). Personality and Value patterns of - none-delinquents: A comparative study. Journal of delinquents and Personality and Clinical studies, ۹(۱): ۳۱-۳۷.

-O'Dea, Thomas F.; Yinger J. Milton (۱۹۶۱) Five Dilemmas in the Institutionalization of Religion, Journal for the Scientific Study of Religion , Vol. ۱, No. ۱, pp. ۳۰.